

# مردم به کدام سو میروند؟ اپوزیسیون به کدام سو میروند؟



## سالگرد آبان

حسن بهگر

شورش آبان قابل پیش بینی بود چرا که مدت‌ها بود مطالبات بنیادی مردم انباشته شده بود و رژیم راه حلی برای آنها نداشت و از آنجا که هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان به مدت دراز با سرکوب و زور اداره کرد، شورش و انقلاب اجتناب‌ناپذیر می‌شود. در طی این سال‌ها شاهد خودسوزی‌های بسیاری از هموطنان در اثر استیصال و فقر بوده ایم. طبیعی است مردمی که خودشان را می‌سوزانند، به آتش زدن بانک‌ها و مراکز دولتی و غیره بپردازند چون چیزی برای دست دادن ندارند.



شورش‌های دیگری هم در پی خواهد آمد، ولی مشکلی در پیش روست:

اپوزیسیون برانداز دو پارچه است. بخشی از آن که وابسته به دولت‌های خارجی است مدعیست که خواستار آزادی مردم ایران است، ولی حاضر است با شورش و تخریب یا حتی جنگ داخلی به مقصد خود برسد که معلوم نیست اینطوری از ایران چه خواهد ماند. نتیجه‌ی کارهای این دسته

فقط ناامنی و خونریزی و برادرکشی و بدتر شدن اوضاع و سرانجام تکه پاره شدن ایران است.

اپوزیسیون مستقل برانداز با سازماندهی و برنامه ریزی و با داشتن رهبری خواستار پرهیز از جنگ داخلی و تخریب و هرج و مرج است تا جامعه دوباره تعادل خود را در یک جمهوری دموکراتیک و لائیک بازیابد.

در شورش آبان 98 گران شدن بنزین بهانه ای بود تا انفجار صورت پذیرد و چاشنی آن عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری یعنی بین همان مستضعفان عمل کرد. بین مردمی که رژیم با ادعای حمایت از آنها بر سر کار آمده. این نکته ای است که رژیم خود آن را دریافته و احساس خطر کرده است. حاشیه نشین هایی که حکومت فعلی را بر سر کار آوردند امروز انبوه تر از گذشته علیه این حکومت برخاسته اند.

شرکت ملی پخش فراوردههای نفتی ایران، بدون اطلاع و اعلام قبلی، در نیمه شب 24 آبان 1398 افزایش قیمت را اعلام کرد، روحانی سرپرست امنیت ملی و تیمش هم مدعی شدند که از هیچ چیز خبر نداشته اند! ولی باید گفت که از یک سو رژیم انتظار چنین شورش را داشت و از سوی دیگر مدت ها بحث گران شدن بنزین بین مردم در جریان بود و برخی مسئولان آن را تکذیب می کردند و اطمینان می دادند که فعلاً خبری نیست. ظاهراً رژیم از روی قصد افزایش قیمت بنزین را در زمانی که مردم آماده انفجار بودند، اعلام کرد تا پیش از آن که این نارضایتی ها سر و سامان بگیرد و شکل درست و برنامه ای بیابد، در نطفه خفه اش کند. مردم به خیابان ها ریختند و خشم خود را بر سر شیشه های بانک ها و آتش زدن پمپ بنزین و غیره در آوردند و رژیم مستقیماً مردم را با سلاح های جنگی و به صورت مستقیم مورد هدف قرار داد و کشتار کرد. برنده، لااقل به طور موضعی، حکومت بود.

این را هم باید گفت که امروز دخالت خارجی یعنی عربستان سعودی به ویژه در شورش ماهشهر، بیش از پیش آشکار شده است. وقتی که گروه ها و سازمان های سیاسی مفقودند شبکه های مجازی و شبکه های تلفنی جای آنها را می گیرند و به همین سبب نهادهای امنیتی ایران با ارسال پیامکهای تهدیدآمیز به مشترکین تلفنهای مردم را از شرکت در تظاهرات برحذر داشتند.

تصاویر بجا مانده نشان میدهد که نیروهای سپاه پاسداران با استفاده از سلاحهای نیمه سنگین جنگی، همچون دوشکا و تیربار،

معترضان را هدف قرار دادند.

کشته شدگان این شورش بین 304 تا 1500 تن گزارش شده است. بیشتر قربانیانی که عفو بینالملل مرگ آنها را ثبت کرده، بر اثر اصابت گلوله به ناحیه سر، قلب، گردن و سایر ارگانهای حیاتی بدن کشته شدهاند که به معنی آن است که نیروهای امنیتی به قصد کشتن آنها را زدهاند. اعتراضات حق طلبانه مردم بی دفاع به گرانی بنزین مستوجب پاسخی چنین خشن و بیرحمانه از جانب رژیم نبود و سبب این واکنش بی حساب و کتاب، باید هراس رژیم از فروپاشی خود دانست و رژیمی که نمی داند که کشتار مردم بی دفاع برای اعتراض به گرانی های کمر شکن فقط مرگش را تسریع خواهد کرد.

گفتیم اپوزیسیون و رژیم هر دو انتظار شورش را داشتند و رژیم دانسته شورش را با اعلام گران کردن بنزین کلید زد. ولی چرا باید اپوزیسیون مستقل در این دام بیفتد؟

آیا آنهایی که به این شورش بدون برنامه و سازماندهی دامن زدند حاضر هستند مسئولیت این کشته شدگان را هم برعهده بگیرند؟

گذشته از آن، بدترین پیامد این اقدام نابجا، نومیث کردن مردم از شرکت در تظاهرات بود که هر بار دستاوردی جز تلفات بسیار ندارد. بی محابا مردم را به مسلخ فرستادن، هم تلفات زیاد دارد، هم بی نتیجه است و هم امید را در مردم می کشد.

به رغم داشتن منشأ اقتصادی، بعد سیاسی این اعتراضات بود که مهم بود. در این اعتراضات شعارهایی از قبیل «توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه، جمهوری اسلامی؛ نمیخوایم، نمیخوایم، جمهوری اسلامی، نابود باید گردد، ننگ ما، ننگ ما، رهبر الدنگ ما، حکومت سپاهی نمیخوایم، نمیخوایم، سپاه بیکفایت عامل قتل ملت» داده شد که خشم و نفرت مردم را از حکومت دینی و ملایان نشان می داد. بیهوده نبود که برخی مراکز از قبیل مدرسه علمیه زنان کوثر کرج، المهدی اهواز، زینبیه اصفهان، خاتمالانبیأ شیراز، سفیران هدایت شیراز، امام حسن شهر گویم، حوزه علمیه شهرستان کازرون، مصلی و دفتر امام جمعه شهر قدس، دفتر امام جمعه شهر صدر، دفتر و بیت نماینده ولی فقیه در یزد و امام جمعه بندر امام مورد حمله قرار گرفتند و برخی از این مکانها توسط معترضان به آتش کشیده شد.

اگر قرار است از اشتباهاتمان چیزی یاد بگیریم تا بلکه به جایی برسیم، چند نکته را از یاد نبریم

. اول از همه اینکه مردم را بی حساب و تجهیز نکرده به خیابان نمی فرستند. خیال نکنیم که همین شلوغ شدن کافیت تا این رژیم را بیاندازد و جایش چیزی بیاورد که مطلوب ماست.

دوم اینکه هر جا رژیم پرووکاسیون کرد نمی باید واکنش نشان داد. ابتکار عمل باید دست ما باشد نه رژیم. نباید گذاشت رژیم هر جا خودش خواست و انتخاب کرد، ما را به نبرد وادارد. ما باید انتخاب کنیم، نه رژیم. آ

آخر از همه هم اینکه حتی اگر مردم هم به دعوای جنبی و به هر حال غیر سیاسی تمایل دارند یا می پردازند، ما که مدعی راهنمایی آنها هستیم باید حواسمان باشد که اصل کار سیاسی است و مردم را به این سو ببریم. نه اینکه از مردم عقب بمانیم و وقتی خود آنها به نمادهای فضولی مذهب حمله می برند، ما یک چیز دیگر بگوییم. کار نباید بر عکس شود. نه باید دنبال هر حرکت خودجوشی راه بیافتیم و تأییدش کنیم و نه اینکه در مقابله با مذهب سیاستگر از مردم عقب بمانیم.

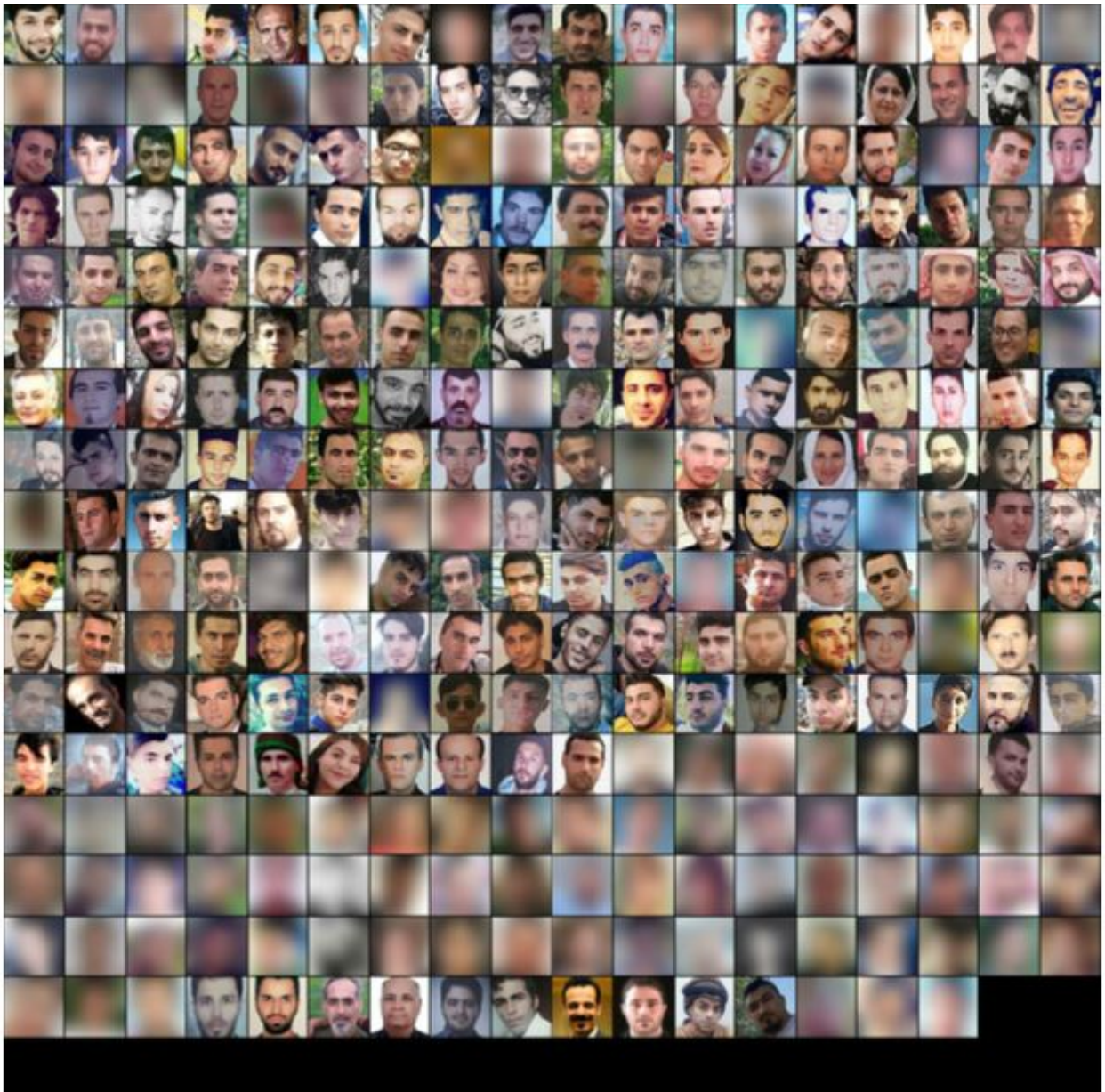
به هر حال، این اعتراضات راهنمای خوبی است برای اپوزیسیون مستقل تا با سازماندهی مناسب، بر اصل دموکراسی و جمهوریت و به ویژه لائیسیته پافشاری کند و رهبری را بدست بگیرد.

۲۷ آبان ۱۳۹۹

17 - 11 - 2020

---

**اینترنت خاموش، کشتار بی صدا**



**AMNESTY  
INTERNATIONAL**



سازمان عفو بین الملل

## قطعی اینترنت در اعتراضات آبان 98 در ایران گزارشی از عفو بین‌الملل

[برای خوانش گزارش در فرمات پی‌دی‌اف روی تصویر  
بالا و یا این سطر کلیک کنید.](#)

قطعی تقریباً کامل اینترنت در ایران در آبان 98، حق مردم برای آزادی بیان و تجمعات مسالمت آمیز را زیر پا گذاشت. این قطعی کمک کرد که روی موارد جدی نقض حقوق بشر، از جمله کشتار معترضان و عابران، رفتارهای بیرحمانه و غیر انسانی، و استفاده مفرط از قوهی قهریه، سرپوش گذاشته شود.

---

## به مناسبت سالگرد اعتراضات مردمی آبان ۹۸



## بیانیه کانون نویسندگان ایران

شنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۹ - ۱۴ نوامبر ۲۰۲۰

پایمال کردن حق آزادی بیان و سرکوب اعتراضهای مردم در کشور ما پدیده‌ای نوظهور نیست. جمهوری اسلامی بیش از چهل سال به جای به رسمیت شناختن حق آزادی اندیشه و بیان، حق تأسیس تشکلهای صنفی مستقل و حق برگزاری تجمعهای اعتراضی مسالمت‌آمیز، همواره شیوهی اعمال فشار، بگیر و ببند و سرکوب را در پیش گرفته است.

سرکوب خشونت‌بار اعتراضات گسترده‌ی مردم در آبان ماه سال گذشته و کشته و مجروح شدن صدها نفر و بازداشت هزاران نفر، که تنی چند از آنان به چوبه‌ی دار سپرده شدند، تعدادی از آنها هنوز در زندان‌اند و برای تعدادی دیگر حکم اعدام صادر شده است، نشانه‌ی آشکار نقض بدیهی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق آزادی بیان است.

حکومت نه تنها حق آزادی بیان مردم را به شکلی فجیع سرکوب کرده بلکه همچون موارد مشابه، راه دادخواهی را بر بازداشت‌شدگان و خانواده‌های قربانیان بسته و حتی حق سوگواری آنان را نیز به شیوه‌های مختلف سلب کرده است.

آنان که در آبان خونین ۹۸ به خیابان‌ها آمدند آیا جز این بود که می‌خواستند رنج‌ها و خواسته‌های خود را بیان کنند؟

از آبان گذشته تا به امروز نه تنها بهبودی در شرایط زندگی و معیشت مردم ایجاد نشده، بلکه وضع به مراتب بدتر و غیرقابل تحمل‌تر شده است. شانه‌های مردم زیر فشار جان‌فروسی گرانی خرد شده و سقوط سرسام‌آور ارزش پول ملی در یک سال گذشته مردم فقیر را

فقیرتر کرده و بسیاری دیگر را به زیر خط فقر رانده است. در چنین شرایطی بدیهی است که خواسته‌های مردم در آبان گذشته همچنان به قوت خود باقی باشد و مردمی که جانشان به لب رسیده و هیچ چشم‌انداز روشنی پیش روی خود نمی‌بینند، زبان به اعتراض بگشایند و مطالباتشان را بیان و حتی فریاد کنند. اما آنچه در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم حکایت از آن دارد که حاکمیت به جای تسلیم شدن در برابر خواست مردم، بر آن است که با اعمال خفقان عمومی و سانسور رسانه‌ها و صداها، مستقل بر واقعیت موجود سرپوش بگذارد.

مواردی چون افزایش فشار بر تشکلهای مستقل دانشجویی و فعالین صنفی و سندیکایی و مدنی، ایجاد محدودیتهای بیشتر برای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بازداشت‌های گسترده‌ی روزنامه‌نگاران و نویسندگان، از جمله سه عضو کانون نویسندگان ایران (رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن)، صدور حکم‌های سنگین برای بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، بازداشت معترضان به ساقط کردن هواپیمای مسافربری و تهدید تعدادی از آنان که دست از دادخواهی برنداشته‌اند، تشکیل گشت به اصطلاح امنیتی محله‌ها، افزایش فشار امنیتی بر خانواده‌های معترضان و قربانیان در آستانه‌ی سالگرد آبان ۹۸ و... همگی نشان از آن دارد که سیاست‌گذاران کشور کماکان راه بستن دهان منتقدان و سرکوب مردم معترض را در پیش گرفته‌اند.

کانون نویسندگان ایران در سالگرد آبان ۹۸ بار دیگر حمایت خود را از حق اعتراض مردم و حق دادخواهی خانواده‌های قربانیان و زندانیان آبان ۹۸ و دی ۹۶ اعلام می‌کند و به حکومت هشدار می‌دهد که به سیاست ارجاب و سرکوب معترضان و آزادی‌خواهان پایان دهد و همه‌ی زندانیان عقیدتی و سیاسی را بی‌قید و شرط آزاد کند.

کانون نویسندگان ایران  
۲۴ آبان ۱۳۹۸



# گرامیداشت خیزش آزادیخواهانه مردم ایران در آبان ماه ۹۸



## اعلامیه

### جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

مبارزات مردم ایران علیه حکومت تئوکراتیک موجود و برای آزادی و عدالت اقتصادی/اجتماعی همواره وجود داشته و در مقاطعی از گسترده‌گی خاصی برخوردار بوده است. در آبان ۱۳۹۸، افزایش غافلگیرانه قیمت بنزین که بلافاصله موجب گرانی بسیاری از مایحتاج اولیه زندگی مردم گشت، به انگیزه مشخصی برای ایجاد تحرک سریع در واکنش مردم بویژه توده‌های زحمتکش و محروم به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی مخرب از سوی حاکمان جمهوری اسلامی تبدیل گشت. برای چند روز در بیش از صد شهر مردم، در عین مواجه شدن با سرکوب وحشیانه رژیم، اعتراضات خود را با شعارهایی در دفاع از مطالبات آزادیخواهانه و بویژه محکومیت استبداد و ناعدالتی اقتصادی موجود ارتقاء دادند و کلیت رژیم جمهوری اسلامی را به چالش کشیدند. بنا بر امارهای غیر رسمی، ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر از معترضین در خیابان‌ها بر اثر شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر کشته شدند، تعداد بیشتری زخمی و بیش از هفت هزار نفر بازداشت

شدند. تا کنون تعدادی به حبس و اعدام محکوم شده‌اند و از سرنوشت اکثر آنان اطلاعی در دست نیست.

واقعیت این است که در جوامع دمکراتیک، جنبش‌های مردم، بویژه معتقدان به عبور از ستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طریق حرکت‌های اعتراضی عمومی و از جمله تظاهرات و نافرمانی مدنی و همچنین مشارکت سیاسی در نهاد های مدنی، توانسته اند که مدیریت جمعی و مردمی را بطور نسبی در راستای تعمیق دمکراسی و عدالت اجتماعی اعمال کنند. اما در ایران که اختناق سیاسی و فساد همه جانبه اقتصادی بویژه در میان حکومت‌گران و ارگان‌های انتظاماتی آن، مانند سپاه پاسداران، زندگی را برای اکثریت مردم طاقت‌فرسا نموده، هر حرکت اعتراضی با سرکوب شدید روبرو می شود. روشن است که سرنگونی و تغییر نظام موجود تنها راه حل اساسی برای نیل به دمکراسی و تحقق شرایط اجتماعی برای امکان دستیابی مشارکت مردم در امور جامعه می‌باشد.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران از مبارزات مردم برای برچیدن نظام تئوکراتیک و تمامیت خواه حاکم و استقرار بلافاصله دمکراسی، جمهوری، لائیسیته پشتیبانی میکند و خواهان ایجاد انسجام و اتحاد عمل نیروهای دموکرات و مترقی خارج از کشور در دفاع از جنبش‌های مردم ایران برای برچیدن جمهوری اسلامی می‌باشد.

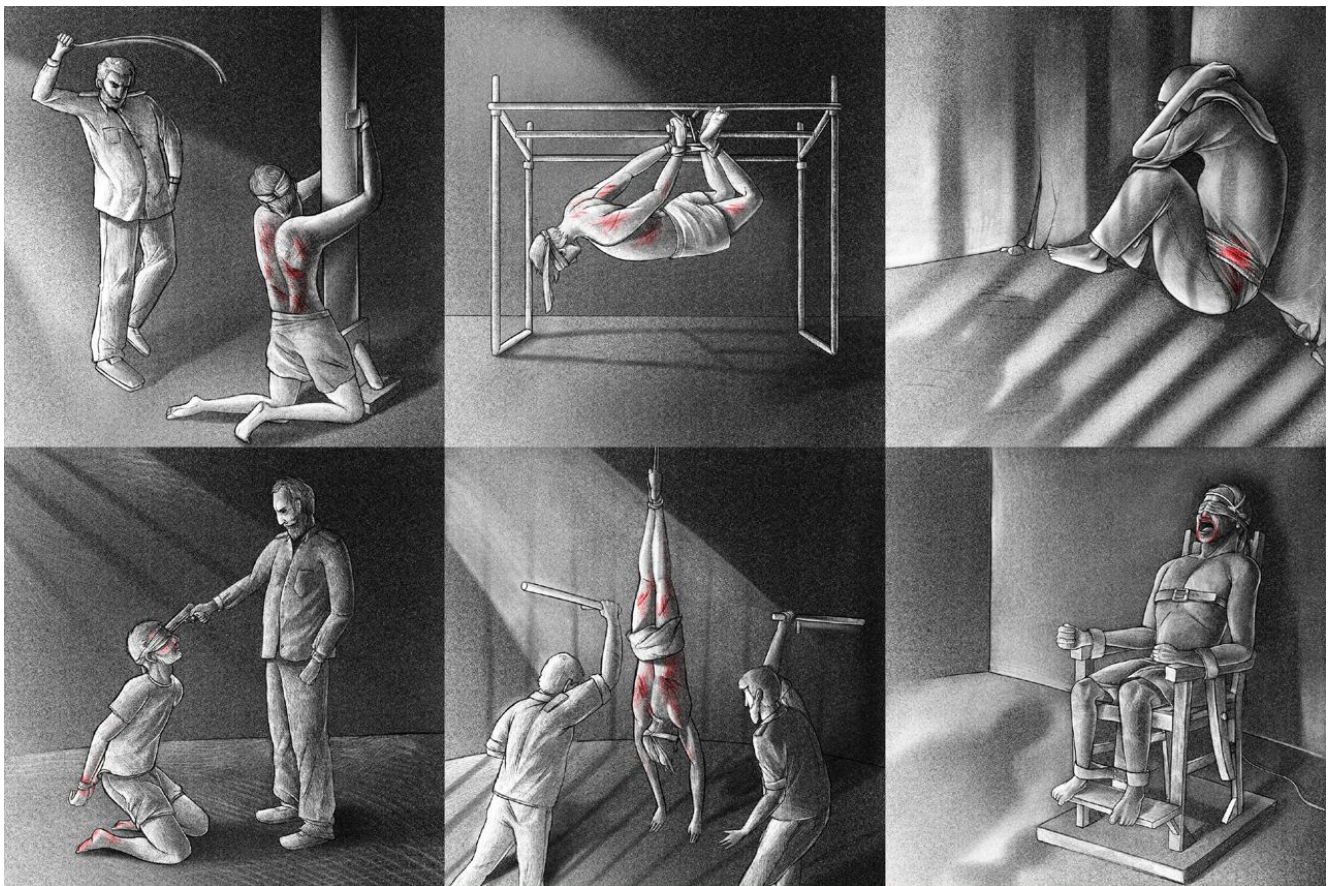
پیروز باد مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران!

**جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران**

**10 نوامبر 2020 - 20 آبان ۱۳۹۹**



# گزارشی از شکنجه در زندان‌های ایران



شلاق، آزار جنسی، شوک الکتریکی و دیگر انواع شکنجه

علیه بازداشت شدگان اعتراضات آبان

## گزارش عفو بین‌الملل از شکنجه بازداشت شدگان آبان 1398

عفو بین‌الملل - اطلاعیه مطبوعاتی ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ - دوم سپتامبر ۲۰۲۰

شلاق، آزار جنسی، شوک الکتریکی و دیگر انواع شکنجه علیه بازداشت شدگان اعتراضات آبان - گزارش جدید

● شکنجه‌ی گسترده شامل ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، آویزان کردن، اعدام‌های نمایشی، القای حس خفگی با آب، خشونت جنسی، تجویز اجباری مواد شیمیایی و محرومیت از مراقبت‌های پزشکی.

● محاکمه‌ی صدها نفر با اتهامات امنیتی بی‌اساس و همراه با نقض شدید موازین دادرسی عادلانه.

● صدور احکام اعدام بر اساس «اعترافات» اجباری گرفته شده تحت شکنجه

سازمان عفو بین‌الملل امروز گزارش مفصلی منتشر کرد که نشان می‌دهد مأموران نیروی‌های انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی و مقامات زندانها، با همدستی قضات و دادستانها، مرتکب مجموعه‌ای تکانه‌دهنده از موارد نقض حقوق بشر شده‌اند. این موارد شامل بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ می‌شود.

این گزارش با عنوان «ویرانگران انسانیت: بازداشت‌های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان ۹۸ در ایران»، مستند کننده‌ی روایت‌های هولناک ده‌ها تن از معترضان، عابران و دیگر افرادی است که با خشونت دستگیر شدند، به نحو قهری ناپدید گشتند،

در سلول‌های انفرادی و بدون امکان ارتباط با جهان بیرون نگه داشته شدند، به‌طور نظام‌مند از دسترسی به وکلای خود در طول بازجویی‌ها محروم ماندند، و بارها و بارها برای دادن «اعترافات» شکنجه شدند.

این آسیب‌دیدگان، بخشی از ۷۰۰۰ مرد، زن و کودکی را تشکیل می‌دهند که توسط مقامات ایرانی طی سرکوب خونین اعتراضات و در ظرف تن‌ها چند روز دستگیر شدند. آسیب‌دیدگان شامل کودکانی به کم‌سنی ۱۰ سال می‌شوند، و همچنین معترضان و شاهدان زخمی‌ای که در مراکز درمانی و در حین دریافت مراقبت‌های پزشکی برای رسیدگی به زخم‌های ناشی از شلیک گلوله دستگیر شدند؛ به‌علاوه‌ی مدافعان حقوق بشر از جمله فعالان حقوق اقلیت‌ها، خبرنگاران و افرادی که در مراسم یادبود کشته‌شدگان در اعتراضات شرکت کرده بودند. صدها نفر، در پی دادگاه‌های به‌شدت ناعادلانه‌ای که توسط قضات مغرض و پشت درهای بسته برگزار شد، اغلب کمتر از یک ساعت به‌طول انجامید، و به‌طور نظام‌مند به «اعترافات» گرفته شده تحت شکنجه استناد و تکیه کرد، به حبس و شلاق محکوم گشته‌اند و چندین نفر نیز با مجازات اعدام رو به رو شده‌اند.

دیانا الطحاوی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل گفت: «در روزهای پس از اعتراضات سراسری، ویدئوهایی که نشان می‌داد نیروهای امنیتی به عمد معترضان و شاهدان غیر مسلح را می‌کشند و مجروح می‌کنند، موجی از بهت و خشم در سراسر جهان گسترده. در مقایسه، مجموعه‌ی بیرحمی‌هایی که دور از چشم عموم، از سوی مقامات ایرانی در حق بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنان اعمال شده، باز نمود بسیار کمتری یافته است.»

وی افزود: «دادستان‌های ایران، به جای انجام تحقیقات درباره شکایت‌های مرتبط با ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و جنایات علیه بازداشت‌شدگان، با عملیات سرکوب همدست شده‌اند و علیه صدها نفر، صرفاً به دلیل استفاده مسالمت‌آمیزشان از حق خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع، اتهامات امنیتی بی‌اساس مطرح کرده‌اند. در همین فضا، قضات ایران نیز با تکیه بر «اعترافات» اخذ شده تحت شکنجه، احکام مجرمیت صادر کرده‌اند. این انبوه جنایات و تخلفات، که همراه با مصونیت کامل عاملان و آمران از مجازات رخ داده است، با موجی از «اعترافات» اجباری تلویزیونی در ویدئوهای تبلیغاتی حکومتی و نیز اظهارات ناشایست مقامات عالیرتبه همراه بوده است که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی را به

دلیل ایفای نقششان در این سرکوب خونین ستایش کرده‌اند.»

عفو بین‌الملل اسامی و مشخصات بیش از ۵۰۰ تن از معترضان و دیگر افراد، از جمله خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر، که در رابطه با این اعتراضات تحت پیگردهای کیفری ناعادلانه قرار گرفته‌اند، را ثبت کرده است.

مدت زندان صادره برای محکومین از یک ماه تا ۱۰ سال بوده، که بر اساس اتهامات امنیتی واهی یا مبهم، مانند «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «توهین به مقام رهبری» صادر شده است.

از میان این افراد، حداقل سه نفر، با نام‌های امیرحسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی به اتهام «محاربه» از طریق تخریب و تحریک محکوم به اعدام شدند؛ و یک نفر دیگر با نام حسین ریحانی با اتهامی مشابه در انتظار تشکیل دادگاه و در معرض خطر حکم اعدام است.

بیش از ۱۵ نفر که مورد شناخت عفو بین‌الملل هستند، علاوه بر مجازات زندان، به مجازات شلاق نیز محکوم شده‌اند. در مورد حداقل دو نفر از این افراد، مجازات شلاق به اجرا گذاشته شده است.

این سازمان معتقد است که با توجه به شمار بالای دستگیری‌های صورت گرفته و الگوهای تعقیب و مجازات در کشور ایران در موارد دستگیری و بازداشت خودسرانه توسط نیروهای اطلاعات و نهادهای امنیتی، تعداد واقعی افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ۹۸ تحت تعقیب قرار گرفته و محکوم شده‌اند بسیار بیشتر از اعداد مذکور است.

عفو بین‌الملل از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهد که برای پایان دادن به این مصونیت طولانی‌مدت و نظام‌مند در خصوص نقض فاحش حقوق بشر در ایران قدم‌های فوری بردارند، از جمله از طریق ایجاد یک ساز و کار تحقیقاتی با هدف اطمینان یافتن از پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و تضمین عدم تکرار.

این سازمان همچنین از تمامی کشورهای عضو سازمان ملل درخواست می‌کند که با جدیت از مقامات ایران بخواهند که فوراً و بدون قید و شرط تمام کسانی که تنها به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق

خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع در رابطه با اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در حبس به سر می‌برند را آزاد کنند؛ کلیه محکومیت‌های حاصل از دادرسی‌های ناعادلانه، از جمله محکومیت‌هایی متکی بر اظهارات اخذ شده تحت شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها را لغو کنند؛ و افراد مسئول در موارد نقض حقوق بشر را پاسخگو نگه دارند.

## اپیدمی شکنجه

تحقیقات سازمان عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها به شکل گسترده توسط نیروهای پلیس، اطلاعات و نهادهای امنیتی و مقامات زندان علیه مردان، زنان و کودکان، چه در هنگام دستگیری و چه در دوران بازداشت به کار رفته است. مقامات دادستانی و قضایی تعهدات قانونی خود را برای انجام بازرسی‌های مستقل و بی‌طرفانه از بازداشتگاه‌ها، از جمله مکان‌هایی که توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی اداره می‌شوند، و نیز حصول اطمینان از اجرای مقررات قانونی که استفاده از بازداشتگاه‌های مخفی و شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در حق زندانیان را ممنوع می‌کنند، زیر پا گذاشته‌اند.

شکنجه در جهت مجازات، ارباب و تحقیر بازداشت‌شدگان و همچنین منظمًا به منظور اخذ «اعترافات» اجباری و اقرار به جرم، نه فقط در رابطه با شرکت در اعتراضات، بلکه در مورد ادعاهای مقامات در مورد ارتباط بازداشت‌شدگان با گروه‌های مخالف، مدافعان حقوق بشر، رسانه‌های خارج از ایران و دولت‌های خارجی مورد استفاده قرار گرفته است.

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که قربانیان، در حالی که کیسه‌های روی سرشان کشیده یا به آن‌ها چشم‌بند زده بودند، با مشت و لگد مورد ضرب و جرح قرار گرفته و شالق زده شده‌اند؛ با چوب، لوله‌های شلنگ لاستیکی، باتوم و کابل کتک خورده‌اند؛ برای مدت زمان طولانی از پا یا دست آویزان شده‌اند یا مجبور شده‌اند در حالت‌های دردآوری بنشینند یا بایستند؛ از غذای کافی و آب آشامیدنی محروم شده‌اند؛ زمان‌های طولانی، گاهی برای هفته‌ها یا حتی ماه‌ها، در سلول انفرادی قرار گرفته‌اند؛ و از مراقبت‌های پزشکی برای درمان جراحات وارده در جریان اعتراضات یا در نتیجه شکنجه محروم شده‌اند.

دیگر روش‌های مستندشده‌ی اعمال شکنجه شامل برهنه کردن زندانیان و

پاشیدن آب سرد بر بدنشان و قرار دادن زندانیان در معرض سرما یا گرمای شدید و/ یا بمباران آنها با نور یا صدا، کشیدن ناخن انگشتان دست و پا، پاشیدن اسپری فلفل، تجویز اجباری مواد شیمیایی، شوک الکتریکی، القای حس خفگی با آب، و اعدام‌های نمایشی بوده است.

اطلاعات دریافتی توسط عفو بین‌الملل از منابع دست اول همچنین نشان می‌دهد که بازجویان و مسئولان زندانها بازداشت‌شدگان مرد را مورد خشونت جنسی، از جمله برهنه سازی اجباری، دشنام‌های جنسی، پاشیدن اسپری فلفل به ناحیه دستگاه تناسلی و وارد آوردن شوک الکتریکی به بیضه‌ها قرار داده‌اند.

یکی از آسیب دیدگان از استان خراسان رضوی که تحت شکنجه‌ی القای حس خفگی با آب قرار گرفته بود به عفو بین‌الملل گفت: «[بازجویان] یک حوله را خیس می‌کردند و می‌گذاشتند روی صورتم و آرام آرام روی حوله آب می‌ریختند. حالت خفگی به من دست می‌داد. یک چند دقیقه که این طوری بود دست و پا می‌زدم و حوله را برمی‌داشتند. نیم ساعت بعد که حالم جا می‌آمد، دوباره همان کار را انجام می‌دادند. مشتش و لگد و فحاشی کار کاملاً عادی‌شان بود. سه دفعه هم با کابل برق به کف پایم زدند.»

مردی که در معرض شوک الکتریکی قرار گرفته بود، بازگو کرد: «بدترین شکنجه‌ای که من را کردند شوک الکتریکی بود ... انگار یک مرتبه میلیون‌ها سوزن در تمام بدنم وارد می‌شد. اگر حرف نمی‌زدم و مقاومت می‌کردم، ولتاژ را بالا می‌بردند. تمام بدنم شدید می‌لرزید و در کل بدنم سوزش شدید و وحشتناکی حس می‌کردم ... این شکنجه به سلامت روانی و جسمی من آسیب‌های ماندگار زده است. هنوز هم نمی‌تونم شبها بخوابم و سردردهای عجیب دارم.»

یکی از آسیب‌دیدگان از استان تهران که به شیوه‌ای دردناک - که بازجویانش به آن «جوجه کباب» می‌گفتند - از دست‌ها و پاهايش در حالت معلق از یک میله آویزان شده بود، به عفو بین‌الملل گفت: «همه وزن بدنم روی مچ دستم بود و واقعاً درد داشت. نمی‌دانم خوابم می‌برد یا از درد بی‌هوش می‌شدم. از فشار در خودم ادرار می‌کردم ... خانواده‌ام می‌دانند که شکنجه شدم ولی نمی‌دانند چه جوری. بغض دارم چون برای هیچ کسی نمی‌توانم تعریف کنم.»

در تمام موارد مستند شده توسط عفو بین‌الملل، آسیب دیدگان



همچنین اشکال مختلف شکنجه روانی را با هدف اخذ «اعترافات» اجباری گزارش کرده‌اند، از جمله استفاده از اهانت‌های لفظی تحقیرآمیز و فحاشی؛ ارباب و آزار و اذیت اعضای خانواده؛ تهدید به دستگیری، شکنجه، قتل یا اشکال دیگر آسیب رساندن به اعضای خانواده، از جمله همسران یا والدین مسن آنها؛ و تهدید به تجاوز به بازداشت‌شدگان یا به بستگان زن در خانواده‌هایشان.

## ناپدیدسازی قهری

تحقیقات سازمان عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که بسیاری از بازداشت‌شدگان برای هفته‌ها یا حتی ماه‌ها مورد ناپدیدسازی قهری قرار گرفته‌اند. این قربانیان در مکان‌های نامعلومی که توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی از جمله وزارت اطلاعات یا سپاه پاسداران اداره می‌شوند، نگه داشته شده‌اند. سایر بازداشت‌شدگان در زندانهای پرازدحام یا پاسگاه‌های پلیس، پادگان‌های نظامی، سالن‌های ورزشی و مدارس تحت بازداشت مانده‌اند.

در روزها، هفته‌ها و ماه‌های پس از اعتراضات، بستگان نگران بسیاری به عفو بین‌الملل اطلاع دادند که برای پیگیری وضعیت و محل نگهداری عزیزانشان به بیمارستان‌ها، سردخانه‌ها، کلانتری‌ها، دادسراها، دادگاه‌ها، زندان‌ها و سایر مراکز بازداشت شناخته شده مراجعه کرده‌اند، اما مقامات از ارائه اطلاعات به آنها خودداری کرده و آنها را تهدید کرده‌اند که اگر همچنان به جستجوی اطلاعات ادامه دهند یا علناً درباره عزیزان ناپدیدشده‌شان صحبت کنند، دستگیر خواهند شد.

در یک مورد مستند شده توسط عفو بین‌الملل، مقامات ایران یکی از اعضای خانواده‌ی دو نفر از ناپدیدشدگان قهری را به جرم پرسش‌گری درباره سرنوشت و محل نگهداری عزیزانش دستگیر کرده‌اند.

عفو بین‌الملل همچنین از سه مورد جرم ادامه‌دار ناپدیدسازی قهری که در آن مقامات همچنان سرنوشت و محل نگهداری این افراد را از خانواده‌هایشان مخفی می‌کنند آگاه است. این موارد شامل دو برادر با نام‌های مهدی رودباریان و مصطفی رودباریان از ماهشهر در استان خوزستان است.

## روش شناسی

یافته‌های گزارش عفو بین‌الملل بر پایه مصاحبه‌های عمیق با ۶۰ نفر

از قربانیان و یا بستگان و نزدیکان قربانیان دستگیری‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های قهری و شکنجه و سایر بدرفتاریها، دو نفر از معترضان که در خفا به سر می‌برند، و ۱۴ فرد آگاه دیگر و همچنین اطلاعات دریافتی از طریق پیام‌های کتبی ارسال شده از سوی چند صد نفر از داخل کشور است. عفو بین‌الملل همچنان اسناد و شواهد دیگری چون فیلم‌های ویدئویی، بیانیه‌های رسمی و اسناد دادگاه‌ها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

متن کامل گزارش عفو بین‌الملل در لینک زیر در دسترس است:

## [گزارش عفو بین‌الملل از شکنجه در ایران](#)

برگرفته از سایت ایران امروز

# گزارش دیدار با خانم مالو در ایستادن ایالت راین لند فالز در آلمان

طرح خواسته‌های هیئت نمایندگی در این نشست

برگردان ناهید جعفرپور

هموطنان عزیز!

در پیروی و دفاع از مبارزات و اعتراضات بحق خیابانی مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی برنامه‌های مبارزاتی مختلفی فارغ از هر گونه منافع گروهی تدارک دیده شده‌اند که می‌باید در سطوح مختلف در راه افشاگری رژیم انجام پذیرند..

بدین خاطر نامه‌های سرگشاده‌ای به وزیر خارجه آلمان و استاندار

ایالت راین لند فالز در افشای چهره ی واقعی جمهوری اسلامی نوشته شدند. در این راستا نیز در تاریخ پنجم فوریه دیداری با رییس جمهور ایالت راین لند فالز خانم مالو درایر صورت گرفت. در این دیدار هیئت ای متشکل از ایرانیان با دیدگاه های متفاوت سیاسی شرکت داشتند.

بحث های صورت گرفته در این دیدار بر حول مبارزات مردم ایران در راه آزادی و عدالت اجتماعی تمرکز داشت و از خانم مالو درایر خواسته شد که سرکوب مردم از طرف جمهوری اسلامی بدون هر اما و اگری قاطعانه نقد گردد و از سیاستمداران آلمان خواسته شود و به سیاست گفتگوی انتقادی تا کنونی که فقط به نفع رژیم و در تقابل خواسته های مردم ایران است ، پایان دهند. کلیه خواسته های ما کامل ارایه گردید که متعاقبا به اطلاع همگان خواهد رسید. خانم مالو درایر در پایان یک ساعت و نیم مذاکره قول داد که تلاش کند تا با نماینده حقوق بشر آلمان تماس گیرد و خواسته های ما را با ایشان مطرح کند و خواستار وقت ملاقاتی برای هیئت ما با نماینده نماینده حقوق بشر آلمان و همچنین از پارلمان اروپا شود.

یکی دیگر از خواسته های ما این بود که مقامات آلمانی بویژه رییس جمهور آلمان آقای اشتاین مایر به مناسبت ۲۲ بهمن چون همچون دو سال گذشته پیام تبریکی به مقامات جمهوری اسلامی نفرستد.

از دیگر نکات مطرح شده شرایط زندگی پناهندگان و دانشجویان ایرانی مقیم ایالت ما بود. در این مورد قرار گذاشته شده چنانکه مشکل اقامتی برای دانشجویان و یا خطر اخراج برای پناهندگان پیش آمد این افراد به هیئت ما مراجع کنند تا مشکلات شأن پیگیری شود.

اعضای هیئت:

خانم پروفیسور پرستو فروهر

خانم دکتر نرگس اسکندری گرونبرگ

خانم منیره برادران

آقای فریبرز جعفرپور

آقای شکر طریق

آقای مهدی جعفری گرزینی

خواسته ها :

جمهوری اسلامی یک رژیم بنیادگرا و دیکتاتوری است که قوانین منشور حقوق بشر و برابری انسانها در مقابل قانون را نمی پذیرد.

هدف جمهوری اسلامی همه جا برقراری حاکمیت شیعیان می باشد.

در جمهوری اسلامی، اقلیت های ملیتی و مذهبی از تمامی حقوق جامعه مدنی محروم می باشند.

شما روزانه در باره وضعیت ایران مطلعید. دقیقا در همین زمان ضروری است که بجای تنها یک درخواست تجدید نظر از ایران کاملا روشن با کلمات و بیان واضح خواسته های ما را اعلام نمایید. انسانها در ایران امروزه با به خطر انداختن زندگی شان برای برقراری آزادی و دموکراسی و حقوق بشر به خیابان ها گسیل می شوند . آنها نیاز به پشتیبانی دارند. سیاست فشار و سرکوب و نقض مداوم و گسترده حقوق بشر و بخصوص مرگ 176 انسان بیگناه نشان داد که رژیم ایران، بی تفاوت به نظرات متفاوت مردم با حداکثر خشونت و سرکوب و ارباب قصد حفظ قدرتش را دارد.

آنها تلاش می کنند با دروغ و فریب، مردم را شستشوی مغزی بدهند. اما اعتراضات در ایران نشان دادند که جهان دیگر نمی تواند و نباید این نقض آشکار حقوق بشر را تحمل کند. آنها هرگز روی وعده ها و توافق ها نخواهند ماند بلکه همواره منافع خودشان و نه منافع مردم را دنبال می کنند. مذاکره با آنان تنها به ثبات و حفظ نظام و سرکوب بیشتر مردم ایران خواهد انجامید.

دیگر زمان "دیالوگ نقادانه" مدتهاست که گذشته است. اکنون زمان، زمان عمل کردن و مقابله و طرح خواسته های مشخص است.

ما خواهان فشار قابل لمس در مناسبات با جمهوری اسلامی برای احترام به حقوق بشر و حق آزادی بیان می باشیم.

شما می توانید از اتحادیه اروپا بخواهید که یک هیئت مستقل برای زیر نظر گرفتن وضعیت مردم و هزاران زندانی سیاسی به ایران فرستاده شوند:

1، علنی کردن تعداد کشته و دستگیر شدگان اعتراضات ماه نوامبر 2019

2، آزادی زندانیان سیاسی

3، تضمین حقوق خانواده های کشته شدگان و زندانیان به منظور تهیه اطلاعات جامع

5، ایجاد شرایط قانونی برای برقراری عدالت و همچنین روال قانونی برای خویشاوندان دستگیر و کشته شدگان.6، ما خواهان حق آزادی اتحادیه ها و آزادی بیان که تنها از طریق یک انتخابات آزاد ممکن خواهد بود، می باشیم. مردم ایران باید بتوانند بدون ترس و تعقیب و زندانی شدن عقاید خویش را بیان کنند.7، جنبش های اجتماعی ایران باید از حق اعتراض و اعتصاب و تحصن مسالمت آمیز برخوردار بشوند.8، باید جهت تحقیقات و بررسی در مورد قتل ها و کشته شدن های وحشیانه در نوامبر 2019، نمایندگان بین المللی مستقل به ایران فرستاده شوند. 9، حق بیان و آزادی عقیده و اندیشه، حق تجمع و اعتراضات مسالمت آمیز، حق اعتصاب و حق آموزش از طریق سازمان های مستقل بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر10، اجازه مسافرت گزارشگران رسمی جامعه بین الملل برای بررسی نقض مداوم حقوق بشر بویژه سرکوب وحشیانه اعتراضات مسالمت آمیز در نوامبر 2019 11، 176 نفر انسان بیگناه در سقوط هواپیمای مسافر بری اکرائینی قربانی منافع رژیم جمهوری اسلامی شدند. تا کنون تنها دروغ و اطلاعات نادرست و فریب از سوی جمهوری اسلامی بیان شده است. وابستگان قربانیان بسیار ناراحت هستند که آنها هیچ اطلاعاتی کسب نمی کنند و حتی در برخی موارد تهدید هم میشوند. انسان باید خودش را بجای دنبال کردن منافع اقتصادی در موقعیت این خانواده ها قرار دهد. مردم ایران نیاز به دخالت خارجی در امور کشورشان ندارند اما خفقانی که رژیم حاکم در ایران ایجاد کرده است تنها در جهت اثبات قدرتش است. از صلح و ثبات و امنیت منطقه صحبت می شود اما ما می گوئیم که صلح در منطقه در صورتی برقرار می شود که رژیم جمهوری اسلامی دیگر وجود نداشته باشد. در این صورت دیگر برای کشورهایمانند آمریکا هیچ بهانه ای برای ماندن در منطقه و درگیر شدن در جنگ وجود نخواهد داشت. مردم ایران خواهان صلح هستند و جنگ نمی خواهند و خواهان تسلیحات اتمی نیستند. به همین دلیل ما از شما و دولت فدرال آلمان و دولت ایالت و احزاب آن درخواست داریم، هر تلاشی که می توانید انجام دهید تا مردم ایران بتوانند نظرات خویش را برای آزادی و دموکراسی بدون خطر برای زندگیشان و زندان و

دستگیری و شکنجه بیان نمایند.